

۴

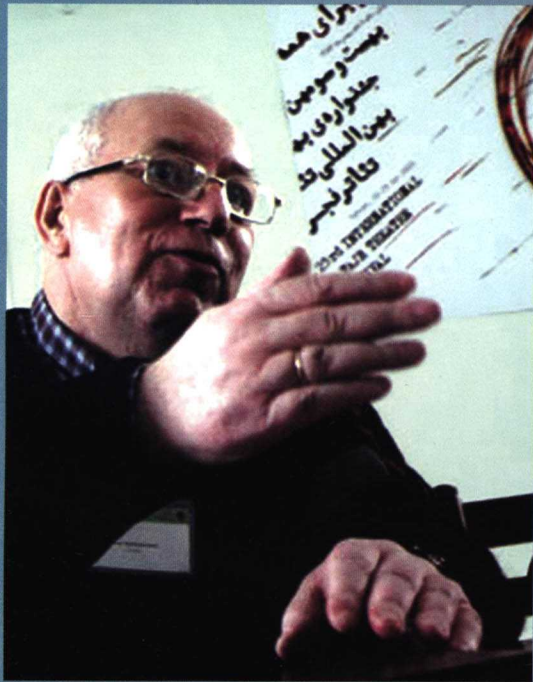
روزمردهای تمام فصول

شمايک فرشته‌اید

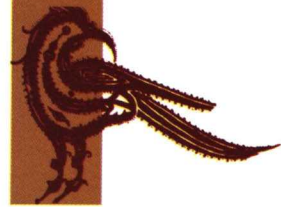
طراحی صحنه: یکبار برای همیشه



رئیس انستیتو چخوف شناسی: بازیگران ایرانی برای هر نمایشی آماده اند



روز گذشته ویکتور گولچنکو رئیس انستیتو چخوف شناسی روسیه در گفت و گویی مطبوعاتی شرکت کرد. او که یکی از مهمانان جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر است قرار است کارگاهی آموزشی درباره آنتوان چخوف، نمایشنامه نویس معروف روس، برگزار کند. گولچنکو که پیش از این نیز به ایران آمده بود؛ فضای تئاتری حال حاضر را در بین جوانان ایرانی مثبت ارزیابی و از جشنواره به عنوان عاملی برای تعامل و انجام گفت و گو میان فرهنگها یاد کرد. او همچنین درباره بازیگران ایرانی گفت: «بازیگران ایرانی برای هر نمایشی آماده هستند و نیازی به راهنمایی یا حتی هدایت ندارند.» مشروح این گفت و گو را می توانید در سایت ایران تئاتر بخوانید.



نشست خبری گروه «تئاتر هفت» از کشور فرانسه، دوست داریم همه چیز را در لحظه دریافت کنیم

کار بدانیم، پس به نوعی این روش تمرینی برای آماده شدن بازیگران روی صحنه است. در ادامه این نشست؛ ایزابل کادناس کائن، درباره نمایشهای خیابانی و تجربه های خود گفت: تکنیک اصلی من در بازی مبتنی بر بداهه است، زیرا که در این دوران به این نتیجه رسیده ام که در این تکنیک اجرایی می توانم در «لحظه» همه چیز را دریافت کنم. او ادامه داد: «در تئاتر خیابانی ما به نوعی دعوت به کار می شویم پس باید هر چه بیشتر به احساسات مردم اطرافمان چنگ بزنیم و از این راه آنها را شریک نمایش خود کنیم، در عین حال باید توجه داشته باشیم که عنصر «زمان» هم نقش عمده ای در کار ما دارد. ایزابل سپس در باره محتوای کارهای خود گفت: غالباً دوست دارم در باره «سیاست» حرف بزنم، سیاسی که ربطی به افراد سیاسی، تفکرات سیاسی و روابط سیاسی ندارد، بلکه موضوع روزانه جامعه و مردم است و به نوعی بازیگر هم درگیر آن است. پس وقتی من سوار مترو می شوم و نمایش بازی می کنم، قصد دارم که در آن لحظه علایق و امیال مردم جامعه را بشناسم. او اضافه کرد: بازیگر خیابانی در یک فضا و در میان مردم، بدون هر گونه قواعد تئاتر صحنه و تنها با تکیه بر احساسات خود کار می کند و به همین دلیل همواره دوست دارم که با اتمام نمایش بمانم و با مردم صحبت کنم. زیرا که «صورتیهای» مخاطبان نمایش در تئاتر خیابانی اهمیت فوق العاده ای دارد و منعکس کننده نظرات آن افراد است.

سیمینار تخصصی «گفت و گوی تئاتر ایران و جهان» روز گذشته با حضور عوامل گروه تئاتری «هفت» از کشور فرانسه برگزار شد. این گروه که امسال با دو نمایش «یک بلیت برای بهشت» و «تولدت مبارک دن کیشوت» در جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر شرکت کرده اند در این نشست به معرفی خود و سابقه کارشان پرداختند. «لوئیس دونوال» یکی از بازیگران گروه در این باره گفت: من در این سالها در حوزه های تئاتر و سینما کار کرده ام و در تئاتر از متدهای «استانسلونسکی» و «استدیو پیل ماریون» آموزش دیده ام. او درباره روش استدیو پیل ماریون گفت: «این روش تاکید بر گرفتن لحظه ای هرچیزی که در صحنه اتفاق می افتد دارد و به نوعی بر دوئل بازیگران بر روی صحنه پایه ریزی می شود و مبتنی بر انتقال حسها از طریق بازیگران و کنترل آنها است.» دونوال با تاکید بر نقش «بدن» در این روش افزود: «بدن بازیگران در برقراری این دوئل، خیلی مؤثر است. زیرا که در این مرحله بازیگر باید احساسات خود را پروژکت کند. از طرفی نباید فراموش کنیم که در این روش بازیگری، تنفسها باید به صورت برون گرا و سرعتی صورت بگیرد تا عمل پروژکت بهتر منتقل و انجام شود.» بازیگر نمایش «یک بلیت برای بهشت» با اشاره به تفاوت های این روش و متد «گروتسکی»، گفت: در روش «گروتسکی» همه چیز مبتنی بر بداهه است، پس در مسیری که می رویم می توانیم آن چیزهایی را که دوست داریم نگهداریم و آنهایی را که نمی خواهیم دور بریزیم و لی در متد «پیل ماریون» ما راه می افتم، بدون اینکه چیز زیادی از

آغاز فعالیت کمیسیون نظارت بر اجراهای جشنواره برای تحقق شعار «تئاتر برای همه»

تربین افراد برای حفظ شئون اخلاقی این هنر و نیز حفظ حریم اخلاقی جامعه دانست و افزود: نباید تصور شود که یک ارگان خاص مسؤول اخلاقیات تئاتر کشور است، بلکه همه ما به عنوان اعضای یک خانواده بزرگ تئاتر کشور در این امر سهم هستیم.
این مسؤول جشنواره بین المللی در گفت و گو با سایت رسمی جشنواره اظهار امیدواری کرد با شروع به کار این کمیسیون و نقش مشورتی آن در تعامل با هنرمندان؛ جشنواره بیست و سوم به اهداف متعالی خود از جمله تحقق شعار «تئاتر برای همه» دست پیدا کند.

کمیسیون ویژه ای مرکب از کارشناسان و صاحب نظران تئاتر کشور بر اجراهای نمایشی بیست و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر نظارت می کند.

یکی از اعضای ستاد برگزاری بیست و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر تشکیل این کمیسیون را در راستای احترام گذاشتن به قوانین اجتماعی و در عین حال صیانت از سیر رو به تعالی تئاتر کشور دانست و گفت: «متأسفانه در پاره ای موارد خطاهای سهوی یا ناخواسته موجب سوء برداشتهای متعدد شده و جریان تئاتر کشور و امنیت حرفه ای سایر هنرمندان تئاتر را به مخاطره افکنده است.»

وی هنرمندان و دست اندرکاران هنر تئاتر را به عنوان شایسته

خانه نمایش اداره تئاتر، سالنی کوچک و صمیمی برای هنرمندان شهرستانی

با سالن کوچک و صمیمی اش میزبان هنرمندان شهرستانی است. هنرمندانی که تمام چشم امیدشان به جشنواره فجر است تا بتوانند به تهران بیایند و آثارشان را به نمایش بگذارند و اگر فرصتی شد بتوانند از آثار دیگر هنرمندان تهرانی و خارجی هم دیدن کنند.

گرچه از بازگشایی خانه نمایش چند ماهی می گذرد، این مکان هنوز نتوانسته آنچنان که باید و شاید رونق بیابد. زمانی که اعلام شد خانه نمایش هم جزو میزبانهای جشنواره امسال است، بسیاری از علاقه مندان خانه نمایش خوشحال شدند چون می دانستند این موضوع در رونق بخشی این مکان مؤثر خواهد بود.

مریم معترف، مدیر خانه نمایش هم در این مورد می گوید: البته حضور در جشنواره در رونق این مکان مؤثر است چون به هر حال اسم اینجا در جدول جشنواره، مطبوعات و جراید می آید ضمن اینکه هنرمندان شهرستانی هم با این سالن آشنا می شوند.»

او درباره تجهیز این سالن اضافه می کند: «تمام مشکلات داخل سالن بر طرف شد، جایگاه نشستن تماشاگران درست شد. سالن انتظار خوبی درست شده». نمایش های خانه نمایش ساعت ۱۵ اجرا می شوند. ساعتی که به اعتقاد عده ای مانند تولمی، مدیر روابط عمومی اداره تئاتر، چندان مناسب نیست: «عده ای از مردم در این ساعت سرگرم کار هستند چون این ساعت، نزدیک ساعت اداری است در حالی که اگر زمان بهتری به این اجراها اختصاصی داده می شد، شاید شاهد استقبال بهتری می بودیم.»

هر چند خانه نمایش هم مانند دیگر سالن هایی که خارج از مجموعه تئاتر شهر هستند، از استقبال کمتری برخوردار است، اما گروه های شهرستانی کنجکاو هستند این مکان را ببینند؛ جایی که بسیاری از گروه های حرفه ای تئاتر، نمایش هایشان را در آن تمرین می کنند. هنرمندان شهرستانی در این فرصت می توانند کارهای یکدیگر را ببینند. اما نمی توان منکر این مشکل شد که قیمت بالای بلیت ها گاهی برای علاقه مندان این سالن دردسر ساز می شود. مریم معترف در همین باره می گوید: قیمت ثابت تمام بلیت ها همین است البته این میزان برای تعدادی از مردم مشکل ساز می شود اما نباید فراموش کرد همین میزان هم در مقابل هزینه هایی که برای تولید تئاتر می شود، بسیار اندک است. خانه نمایش ویژه نمایش های خاصی طراحی شده. نمایش هایی که چندان پر سرساز نباشند. امسال نیز به گروه ها گفته شد تا حدی می توانند در انتخاب سالن مورد نظر خود آزادی عمل داشته باشند و این گونه بود که نمایش هایی که بازیگران کمتری داشتند، نوبت اجرا در این سالن را گرفتند.

این سالن پذیرای ۹ نمایش است که از شهرهای شاهرود، یزد، ارومیه، ملایر و گناوه در جشنواره شرکت کرده اند. سالن خانه نمایش با اجرای نمایش «مرد اتفاقی» به کارگرانی رهبانی به استقبال جشنواره رفت و اینچنین است که اگر این روزها به خانه نمایش سری بزنید با فضای متفاوت تر روبرو می شوید.

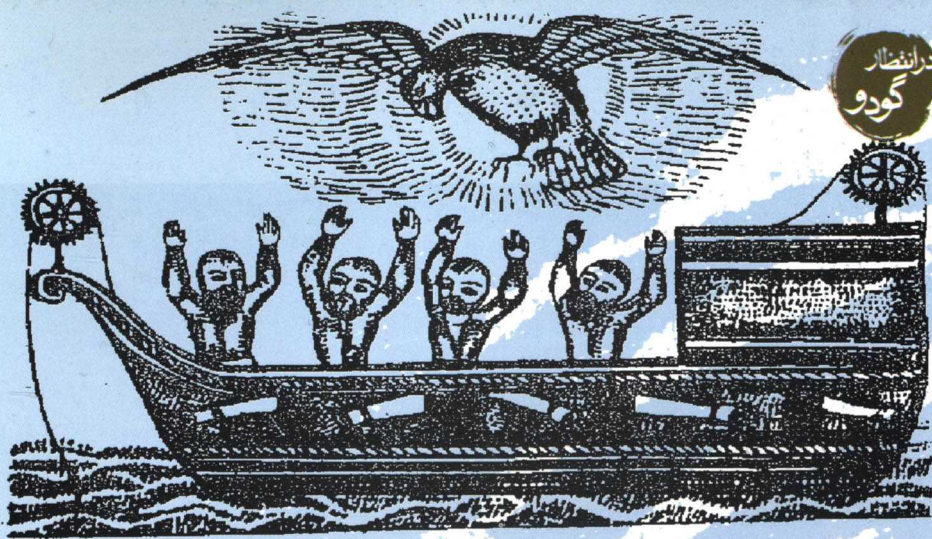
مریم معترف هم از تمام علاقه مندان و بویژه خبرنگاران دعوت می کند به دیدن خانه نمایش بیایند و از نزدیک تغییرات آن را ببینند.

دیدار دوباره تماشاگران از «سیرک»

تماشاگرانی که روز جمعه به علت قطعی برق نتوانستند این نمایش را ببینند، روز گذشته از سانس دوم نمایش «سیرک» دیدن کردند.

روز جمعه به دلیل قطع شدن برق مجموعه تئاتر شهر، اجرای تعدادی از نمایشها لغو شد و تماشاگرانی که بلیت خریده بودند، نتوانستند از این کارها دیدن کنند. ولی طی اقدامات مسؤولین مرکز هنرهای نمایشی، این افراد دیروز نتوانستند از سانس دوم نمایش «سیرک» دیدن کنند.

این نمایش کاری از هنرمندان کشور لهستان بود که با کارگردانی مالگو رزا تا کامینسکا سو بزیک در تالار وحدت اجرا شد. این نمایش پیش از این فقط در یک سانس و آن هم در ساعت ۱۹ اجرا می شد که به این بهانه، امکان تماشای سانس دوم نمایش برای این تماشاگر فراهم آمد.



چهارمین روز جشنواره؛ میانه های راه

مردم‌هایی برای تمام فصول

سجاد صاحبان زند - مجید توکلی

رهبانی کارگردانی کرده است و فرزانه ارسطو، بهنام تشکر، مرتضی جعفری، محمدرضا جوزی، مریم داوری و... در آن بازی می کنند.

این نمایش در ساعت ۱۴ و ۱۸ و ۲۰ در کافه تریای تالار اصلی برگزار می شود و مدت آن ۷۰ دقیقه است.

خداوند یحیی را در جلیل می خواند؛ یک ماجرای تاریخی

داستان نمایش در سرزمین فلسطین اتفاق می افتد: «هرودیس، پادشاه یهود که بعد از کشتن برادرش «فلیپ» با همسرش ازدواج می کند، سالها بعد به دختر برادرش هم علاقه مند می شود. او زن زیبایی شده و هرودیس می خواهد با او ازدواج کند. هرودیس، کاهنان دربار را وامی دارد که این وصلت را شرعی بدانند. اما حضرت یحیی این کار را حرام می داند و چون حاضر به شرعی دانستن این وصلت نیست، هرودیس دستور می دهد که سر حضرت را از بدنش جدا کنند و در تشت طلا بگذارند. اما خون یحیی، گریبان آنها را می گیرد و سپاه سرزمین «پارت» سلطنت آنها را از بین می برد.»

در این نمایش مسعود میر طاهری، داریوش فائزی، دیدار رزاقی، ایرج سنجر، سپیده پارسی و... بازی می کنند و نویسندگی و کارگردانی آن به عهده سعید شاپوری است که قبل از این، «ماده ۱۳۳»، «دود کعبه» و «عقل سرخ» را در کارنامه اش ثبت کرده. او در مورد آخرین کارش می گوید: «من درباره داستانهای قرآنی، بسیار کار کرده ام و با فضای آنها آشنایم. مردم نیز با داستان هرودیس و حضرت یحیی آشنا هستند. ما فقط شیوه اجرایی آن را نو کرده ایم.»

کارگردان این نمایش در مورد طراحی لباس و صحنه نمایش، توضیح می دهد: «شیوه روایت ما اصلاً تاریخی نیست. یعنی ما کاری کردیم تا به روز باشیم و اجرای جدیدی ارائه کنیم.»

«خداوند یحیی را در جلیل می خواند» در ساعت های ۱۸ و ۲۰ در تالار قشقای اجرا می شود و هفتاد دقیقه طول خواهد کشید.

رویا (خانه): کسی که دیگری است

آدم ها همیشه دوست دارند جای یک نفر دیگر باشند، مخصوصاً اگر از موقعیت اجتماعی متعارف و متداولی برخوردار نباشند. «رویا» هم همین قصه را هدف قرار داده است: «دو دختر هجده ساله پرورشگاهی، تصمیم می گیرند که از پرورشگاه فرار کنند و سپس در یک پارک

جشنواره دارد به نیمه راه می رسد کارگردان ها، نویسنده ها، بازیگران و سایر عوامل نمایش هم دیگر مثل سال گذشته، آنچنان دغدغه اول یا آخر شدن ندارند. نمایش ها اجرا می شوند و تماشاگرها هم کارها را می بینند. بدون آنکه کسی فکر کند چه کسی اول است، چه کسی آخر. مهم این است که جشن است و جشنواره.

ژازن بکام، ژازن ناکام؛ یک قصه قدیمی

این اسم های یونانی خیلی عجیب و غریب و سختند. تلفظ کردن هم خیلی سخت است چه برسد به حفظ کردنشان. «ژازن بکام - ژازن ناکام» هم در همین باره است: «عده ای از دانشجویان تئاتر از اینکه مجبورند برای امتحان درس تاریخ نمایش، اسامی خدایان یونانی را حفظ کنند، بسیار شاک و معترض اند. تا آنها شکایتشان را به زبانی منظوم مطرح می کنند. این قضیه بهانه ای می شود تا آنها به قصه قدیمی ژازن و پشم زرین بپردازند. آنها این قصه را نیز با زبان منظوم به تصویر می کشند...»

امیر سلطان احمدی که این نمایش را نوشته و کارگردانی کرده است، در مورد این مایش می گوید: «وقتی که دیدم خانه صابری، اشعار حافظ را روی صحنه می برد، دیدم که می شود قصه های یونانی را هم به صورت شعرهای طنز آمیز ارائه کرد.» کارگردان «ژازن...» اعتقاد دارد که این نمایش کمندی است و علاقه مندان به نمایشهای موزیکال می توانند با آن ارتباط خوبی برقرار کنند.

در مورد طراحی لباسهای این نمایش سعی شده که بدون توجه به تاریخ عمل شود. اما همان طور که کارگردان نمایش می گوید: «دکور کار بیشتر شبیه سیرک است.»

امین سلطان احمدی پیش از این هم، نمایش های «شعبده و طلسم»، «آژیر چهار گوش» و «و جاده» را در کارنامه اش دارد. و نمایش «ژازن...» در تالار هنر ساعت های ۱۶ و ۱۸ روی صحنه می رود. در این نمایش محمد بحرانی، سارا فرزاد فر، مینا درودیان، امیر سلطان احمدی و... بازی می کنند. مدت نمایش ۹۰ دقیقه است.

الوتریا؛ بازگشت پسر نافرمان

«پسری از خانواده اش جدا می شود و شروع به زندگی در محله ای فقیر نشین می کند. خانواده او تلاش می کنند تا پسر را به خانه برگردانند و زندگی او را در اجتماع به صورت عادی و متداول کنند و...»

ساموئل بکت را بیشتر با نمایشنامه «در انتظار گودو» می شناسیم. اما او علاوه بر این کار، نوشته های دیگری هم دارد که «الوتریا» از جمله آنهاست. این نمایش را وحید



های کارور از ۳ قصه او به نامهای (وقتی از عشق حرف می‌زنیم، از چه حرف می‌زنیم)، (خانه چف) و «ن همه آب و این همه نزدیک به خانه» استفاده کرده‌اند.

این نمایش در ساعت ۱۶ و در تالار نوروی صحنه می‌رود و زمان آن ۴۵ دقیقه است.

دیگر نمایشهای امروز که در سالن‌های مختلف به نمایش در می‌آیند عبارتند از: سیرک - در تالار وحدت (ساعت ۱۹)، مهتابی در قالی - در تالار سنگلیج (ساعت ۱۶ و ۱۸/۳۰)، رویا در نیمه شب تابستان - در تالار مولوی (ساعت ۱۵ و ۱۷/۳۰)، الان کجایی - در کافه تریا (ساعت ۱۵)، هنگامی که بلبل از خواندن می‌ایستد - در تالار چهارسو (ساعت ۱۷ و ۲۱)، اسرار شبانه - در تالار اصلی (ساعتی ۱۸/۳۰)، بهترین مامان این حوالی، در تالار کوچک (ساعت ۱۶ و ۱۹) و مجلس شبیه خوانی تخت سلیمان در فضای باز تئاتر شهر (ساعت ۱۴)

قرار می‌گذارند و سعی می‌کنند نقش آدمهایی را که دوست دارند بازی کنند. که همیشه حسرت داشته، اند شبیه آنها باشند...»

سپیده نظری که این نمایش را کارگردانی کرده، در موردش می‌گوید که فرق «رویا»، با بقیه قصه‌هایی که در مورد دخترهای فراری است، در این است که «ما در اینجا به حالت‌های عاطفی و احساسی دو دختر می‌پردازیم، بی آن که جنسیتشان مطرح باشد. آنها خواسته‌هایی کوچک از قبیل داشتن خانه، پدر، مادر و... دارند. بیان کردن این مشکلات بسیار مهم و اساسی است.»

کارگردان «رویا» بیشتر از هر چیزی به ارائه یک کار قوی فکر می‌کند و مساله جذابیت کار برای تماشاگر، مساله بعدی او است. او برای دکور کارش فقط یک نیمکت ساده را در نظر گرفته که همین نیمکت ساده می‌تواند فضاهای متفاوتی را به وجود بیاورد. او، همین قضیه را یکی از جذابیت‌های کارش می‌داند.

نمایشنامه «رویا» توسط زهره مجابی نوشته شده است و مهرداد رایانی مخصوص در آن مشاور کارگردان است. همچنین در این نمایش سودابه میر کریمی و خود کارگردان بازی می‌کنند.

سپیده نظری پور قبل از این هم نمایشهای «ترانه دختر شاه پریون»، «گفت و گوی بی پایان ستاره»، «افسانه زن سرخ پوش»، «پهلوان»، «لیلا» و... را در کارنامه اش دارد. او این نمایش را هم بعد از پذیرفته شدن در جشنواره تغییر اسم داد و حال «رویا» با اسم «خانه» به نمایش در می‌آید. «خانه» در ساعت‌های ۱۷/۳۰ و ۲۰ در تالار سایه به روی صحنه می‌رود.

داستانهای کارور؛ وقتی از عشق حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم

قصه‌های کارور بدجوری تصویری هستند. آدم وقتی آنها را می‌خواند بطور ناخودآگاه شخصیت‌های قصه را به صورت سینمایی یا نمایشی در ذهنش تصویر می‌کند. از طرف دیگر چون بیشتر این قصه‌ها در یک فضای ثابت اتفاق می‌افتد، بیشتر آن می‌تواند اجرای خوبی در سالن نمایش داشته باشد.

آرش دادگرو و حمیدرضا نعیمی براساس سه قصه از ریموند کارور، کارشان را روی صحنه برده‌اند. آنها برای قصه



زندگی و مرگ

محمد صالح علا

باد به طرف جنوب می رود و به طرف شمال دور می زند. دور زنان، دور زنان می رود و باد به مدارها خود بر می گردد، باطل اباطیل همه چیز باطل است. انسان را از تمامی مشقت اش که زیر آسمان می کشد چه منفعت است؟

جهان پر از خستگی است. تا انسان نمایش را اختراع کرد و عالم پر از بهجت و سرور شد. که تمدن انسانی نمایش است و پیش از نمایش زمین جاذبه ای نداشت. سیب ها به خاطر نمایش می رسند و سیب ها بخاطر نمایش روی زمین می افتند.

خدمتکاران و دیگران، دیس های لبریز از شیرینی های خوشمزه خانگی، نقل های معطر و آب نبات های شکرین را دور دور می چرخانند. دیوارهای گچی با کاغذهای دالبر رنگی تزئین شده شمعدانی های صورتی روی طاقچه های آجری حیاط اند. برای من روز اول خلقت و موقع افتتاح زندگی است. در بعد از ظهر یک روز بهاری روزی که با نخستین نمایش مواجه شدم و این مواجهه ای با سرنوشت بود. شادی آورترین روز عالم.

دسته ای دبدبه و دایره و دف می زدند. و گروهی انگشت ها را به هم می زدند. شربت های معطر را در سینی های برنجی می چرخاندند و دهانها پر از نقل های شکرین و مطبوع بود. تحمل شادی بی اندازه، آزار دهنده و دشوار است و این همه شادی در آن روز خارج از طاقت من بود که مات و مبهوت در حیاتی اثیری سیر می کردم.

اعتراف می کنم که من پیوسته از وصف غم ها، شکستها و حسرت هایم بیشتر لذت برده ام تا شرح کامرواییها و شادیهایم. از آن روز روح من مثل روح آهوی سر در کمندی است که یکسره در حسرت آن بعد از ظهر بهاری و آشنایی با نمایش به سر می برد.

حادثه شیدایی از جایی آغاز شد که دسته بازیگران از دالانسی وارد حیات شدند. آنها با لباسهای خنده آوری که به تن داشتند و آرایش های غلیظ و رفتار اغراق آمیز به سمت ما می آمدند و می چرخیدند. مطربها بر طبلها می کوبیدند.

نمایش مضحک آغاز می شود. موضوع نمایش بیمار شدن یکی از اشقیاست. خانمی از بستگان، مادرم با صورت پر اخم، ابروان کرده و قیافه ای غیض آلود نقش طیب را بازی می کند.

هیکل چاق را با لباس گشادی بارنگهای ابتدایی سرخ و سیا پوشانده و چیزهای مضحکی مثل سیخ کباب و ملاقه و کفگیر به خود آویخته. مانند طیبیان راه می رود و بارفتار اغراق آمیزی و توماری که به دست دارد برای یکی از خولیان نسخه ای می نویسد و وقتی که می گوید: برایت یک شربت زهر مار و چند تا قرص کوفت و یک بسته کپسول حنّاق می نویسم تا هر چه زودتر بخوری و به درک واصل شوی

حضار محترم از خنده روده بر می شوند و من که برای اولین دفعه با نمایش مواجه شده ام از خنده دیگران غش می کنم و چنان دلم از شادی پر و خالی می شود که از فرط بهجت گریه ام می گیرد و تحمل آن همه شور و هیبت و حیرت برایم دشوار می شود، چنانکه از آن بعد از ظهر بهاری در کودکی تا امروز که این یادداشت را در یکی از روزهای برفی. میانسالی می نویسم،

دیگر حتی به قدر مویی گره از زلف من و نمایش باز نشده بلکه از آن بعد از ظهر بهاری مبتلای حیرت مزمنی شده ام و برایم نمایش حلقه اتصال زندگی به ابدیت است.

و نمایش معجزه خداوند است که اگر نمایش نبود، باطل اباطیل. این کلام خداست، باطل اباطیل انسان را از تمامی مشقت اش که زیر آسمان می کشد چه منفعت است. آفتاب طلوع می کند و آفتاب غروب می کند که آنچه عالم را پایدار و مؤید ساخت نمایش است. تنها در باغ نمایش است که می توان از درخت سیب، لیمو شیرین چید و فقط اشخاص نمایش ابدی هستند چرا که اشخاص نمایش مثل فرشتگان فاقد جسم اند.

و هر که جسم ندارد نمی میرد که نه فقط اشخاص نمایش فرشته اند و صاحب هستی ابدی که آن کسان که بهیچ شکلی با نمایش زلفی

گره می زنند نیز فرشته اند. هر که با نمایش سرو کار پیدا کرد بال های سپید و کوچکی روی شانه هایش می شکند باور نمی کنید امتحانش مجانی است با نمایش زلف گره بزنید شما هم به زودی فرشته می شوید.



یکبار برای همیشه

ندا آل طیب

شود به نظر می‌رسد جشنواره امسال کمتر مشکل دکورهای سنگین داشته باشد هر چند در این جشنواره هم مانند هر جشنواره دیگری، دکورهایی وجود دارد که نیازمند صرف هزینه و انرژی فراوانی هستند. بیشتر نمایش‌هایی که در تالار اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شوند، نیازمند دکورهای حجیمی هستند. از جمله این نمایش‌ها، دور نمایش «چشم‌اندازی از پل» به کارگردانی منیژه محامدی است که طراحی صحنه آن را ملک جهان خزاعی انجام می‌دهد. دیگر دکور سنگین جشنواره امسال، دکور نمایش «خون نمی‌خسبد» به کارگردانی داوود فتحعلی بیگی است که طراحی صحنه آن را محمد حسین ناصر بخت انجام می‌دهد. ناصر بخت البته می‌گوید که دکور نمایش چندان سنگین نیست اما چون ماجرایی آن در یک حسینیة اتفاق می‌افتد، به هر حال باید فضای یک حسینیة ایجاد شود.

اما بسیاری از شرکت‌کنندگان ترجیح می‌دهند با طراحی صحنه‌های ساده، کار خود را راحت کنند. مریم کاظمی که نمایش «خوانین پنج قلعه» را کارگردانی می‌کند، با چند پودس که طرح‌های آن توسط امیر اثباتی انجام می‌شود، دکور طراحی صحنه مورد نیاز خود را ایجاد می‌کند. نرمین نظمی که امسال برخلاف سالهای گذشته، کمتر فعال است، طراحی صحنه و لباس نمایش «منطقه اشغال شده» محصول مشترک ایران و آلمان را برعهده دارد.

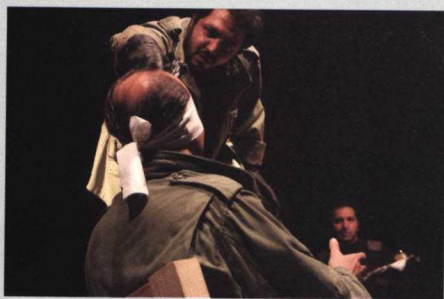
رحیم نوروزی هم در این جشنواره به تجربه متفاوتی در این زمینه دست می‌زند. او همیشه طراحی صحنه نمایش‌های خودش را انجام داده اما امسال طراحی صحنه نمایش «یک‌شب دیگر بمان سیلویا» نوشته و کار چیتا یثربی را انجام می‌دهد و طراحی صحنه کار خودش «شما خانمی با ماتئوی آبی ندیدید» را به عهده سیامک احصایی گذاشته است. نوروزی می‌گوید: «طراحی کردن برای یک کارگردان دیگر سخت است چون باید هر دو تفکر آلمان را با هم هماهنگ کنیم و من بتوانم آنچه را در ذهن اوست، عملی کنم.» پیام فروتن هم که با طراحی صحنه دو نمایش «تراژدی قیصر» (کیومرث مرادی) و «روزی روزگاری در آبادان» (حمیدرضا آذرنگ) در جشنواره حضور دارد، می‌گوید: کارها مثل همیشه است و تفاوت چندانی ندارد. البته از نظر ساختار دو تجربه متفاوت است که اگر بتوانم آنچه را که مدنظرم است، عیناً پیاده کنم، تجربه‌های خوبی خواهد شد.»

گروه‌هایی که در جشنواره فجر امسال شرکت می‌کنند، نامه‌های گوناگونی دریافت کرده‌اند. نامه‌هایی که از همان زمانی که آیین نامه جشنواره امسال منتشر شده به وسیله ستاد برگزاری جشنواره به گروه‌ها ارائه شد. یکی از این نامه‌ها مربوط به طراحی صحنه و بازیگری در جشنواره امسال بود. نامه‌ای که بندهای متفاوتی داشت و واکنش‌های گوناگونی را برانگیخت.

«طراحی صحنه» همیشه جزو مسائلی بوده که عموماً در طول برگزاری جشنواره‌های گوناگون جزو مشکلات یا معضلات گروه‌ها بوده است. چون طراحی صحنه برخلاف موارد دیگر عموماً نزدیک زمان اجرا است که به آن پرداخته می‌شود. اما در نامه‌هایی که امسال برای گروه‌ها فرستاده شده بود، از آنان خواسته شده بود؛ طرح‌های خود را تا نیمه آبان‌ماه تحویل دهند تا هنگام برگزاری جشنواره کمتر دچار استرس و نگرانی شوند. در این نامه همچنین به گروه‌ها پیشنهاد شده بود که دکورهای سبک و قابل حمل و نقل بسازند تا اگر قرار شد سفرهای خارجی یا داخلی انجام دهند، مشکلات کمتری برایشان پیدا شود. هر چند به گفته بعضی از طراحان صحنه مانند نرمین نظمی، در این نامه به این موضوع توجه نشده بود که اصولاً اصطلاح دکور سنگین یا سبک جنبه علمی ندارد چون دکور هر نمایش متناسب با ساختار و شرایط آن نمایش ساخته می‌شود و چیزی جدا از مسائل دیگر آن نمایش خاص نیست. از طرفی دیگر خیلی از دکورها در طول تمرینات گروه و با توجه به تغییرات متن، مدام در حال تغییر هستند. البته این نامه جنبه‌های مثبتی هم داشت چون از اول تکلیف گروه‌ها را روشن کرده بود که تا تاریخ اعلام شده باید طرح‌هایشان را آماده کرده باشند تا در مورد تهیه مواد لازم برای آن اقدام شود.

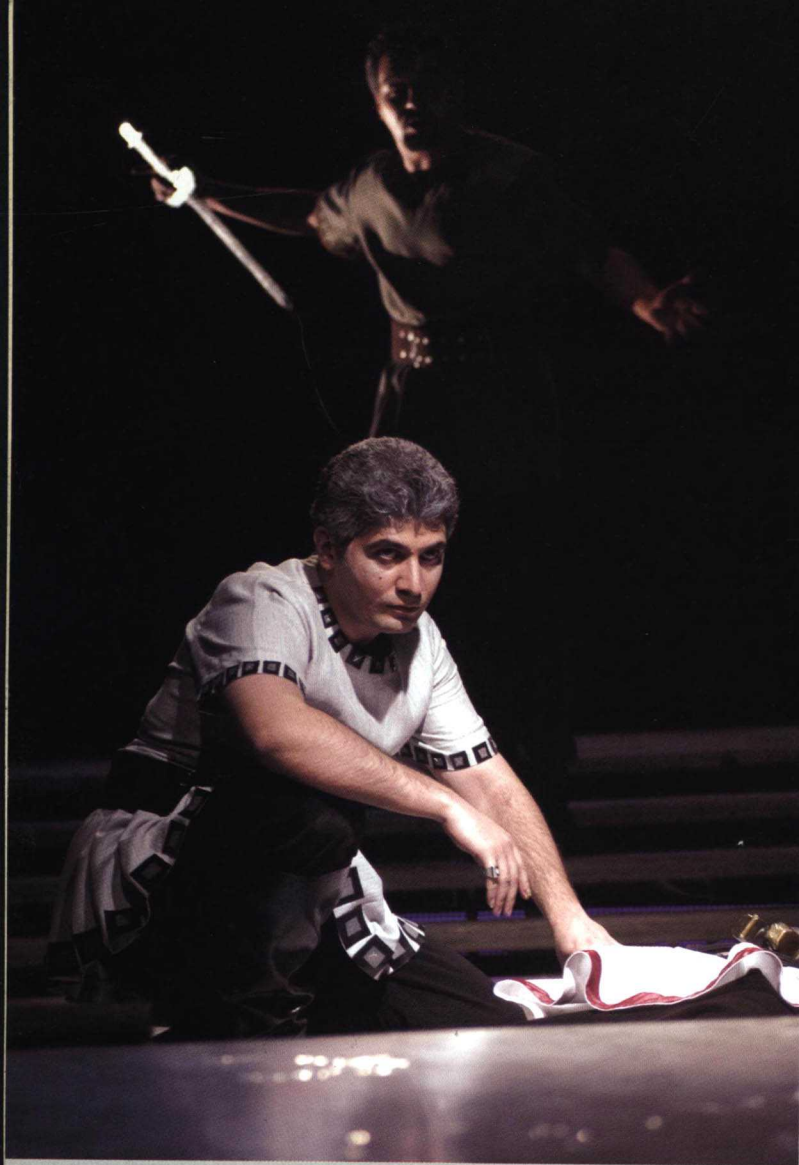
یکی دیگر از مشکلات گروه‌های نمایشی در زمینه ساخت دکور، دوباره کاری‌های زیاد است چون دکورهایی که برای جشنواره ساخته می‌شود زمان اجرای عمومی دیگر کاربرد ندارد و گروه‌ها ناچارند دوباره دکور بسازند اما امسال قرار است هر دکور تنها یکبار ساخته شود و مکانی برای نگهداری دکورها ایجاد شود تا زمان اجرای عمومی، گروه‌ها ناچار نشوند دوباره دکور بسازند.

البته ایجاد یک انبار می‌تواند خیلی از مشکلات را حل کند چون علاوه بر این که دکورها در آن نگهداری می‌شود، در موارد خیلی زیادی می‌توان از وسائلی که قبلاً تهیه شده، استفاده کرد و دیگر لازم نیست همه چیز از نو ساخته



روزنامه
بیست و سومین جشنواره
بین المللی تئاتر فجر
شماره چهارم





روزنامه
بیست و سومین جشنواره
بین المللی تئاتر فجر
شماره چهارم



ژولیوس سزار به روایت کابوس نوشته نغمه ثمینی برداشتی از ژولیوس سزار به قلم ویلیام شکسپیر است که کیومرث مرادی نیز کارگردانی آن را بر عهده دارد. گروه تئاتر تجربه با اجرای این نمایش مسیری جدید پیش روی خود قرار داده اند. این در نوع نگاه مضمون - نه شیوه روایت - جنس کارگردانی و بازی سازی ها و حتی طراحی صحنه به چشم می آید. پیام فروتن در جایگاه طراح صحنه به دکوری با ساختار مینی مالیستی روی آورده و شلوغی دکورهای نمایشهای قبل چندان به چشم نمی آید. اصولاً حشو و زواید صحنه گرفته شده تا تماشاگر با کنه اتفاقات روی صحنه ارتباط برقرار کند. این مساله در شیوه نگارش نمایشنامه نیز به چشم می آید. روایت و ترتیب پیرنگ داستانی نوعی پس و پیش شده که تماشاگر در همان لحظات اولیه گره قصه را در می یابد و این گره به راحتی توسط نویسنده و کارگردان گشوده می شود. هیچ رازی در میان نیست که مخاطب بخواهد به آن پی ببرد مگر درونیات و کردار آدمهایی که با سرنوشتی محتوم در می آمیزند و پایانی تلخ رارقم می زنند. اخلاق گرایی، پاداش نیک و بد کردار و ... که از مضامین آثار شکسپیر - به خصوص تراژدی های تاریخی اوت - در متن نغمه ثمینی نیز حضور آشکار دارد.

شکستن روایت چند حسن به همراه دارد. اول اینکه تماشاگر علی رغم اینکه شاهد روایت یک داستان است، چندان با وجود تعلیق آمیز و سطحی قصه - برای سرگرمی صرف - روبه رو نمی شود. پیکره داستان در ابتدا پیش روی تماشاگر گشوده می شود، او را با خود همراه می کند، اما در یک لحظه از غفلت او و غرق شدنش در داستان استفاده کرده و با شکستن روایت او را غافلگیر می کند. این جزو خصلتهای ادبیات است که این روزها در سینما نیز کار کردی جدی یافته. دوم نکته حسن این شیوه روایت ماهیتی فلسفی دارد. شکستن پی در پی روایت، به تماشاگر این امکان را می دهد که خود حقیقت را از دل اثر کشف کند. آنها که آشنا با نمایشنامه های ویلیام شکسپیر هستند می دانند بد کردار، سرنوشتی شوم خواهد داشت. پیروزی اش هم ذاتی نیست و صوری است. او اگر چه در ظاهر پیروز شده اما در باطن خشنود نیست. شکستن روایت به

آخرباری

بیننده این اجازه را می دهد؛ دست به یک کشف و شهود بزند. حال او تنها نمی بیند که عاقبت بدکار بد است. او درک می کند که چرا بدکار به سرنوشتی شوم دست می یابد. صورت رفتار جای خود را به نیات درونی و کردار شخصیتها می دهد.

کیومرث مرادی نیز سعی دارد تمامی این گفته ها را تصویر کند. او از میزانشن در عمق و نور آوانسن استفاده مناسب انجام می دهد.

شخصیتها نباید بنا به ترتیب اهمیت در ضد با یک تصور سینمایی هنگام طی کردن طول صحنه در کلوزآپ و لانگ شات قرار گیرند. اینجا بیننده می تواند ناخودآگاه در ذهن، شخصیت ها و اهمیت رویداد را در



ذهن تفکیک کند. نور جلوی صحنه نیز که زاویه ای از پایین به بالا دارد به لحاظ گرافیکی صورت شخصیت واقع در نور رادشستناک می کند. اکثر میزانشن ها از جمله تصمیم به قتل سزار، حضور پیشگو و ... در معرض این نور صورت می گیرد. از دیگر سو، مرادی در پاره ای فصول از میزانشن ثابت برای یک روایت استفاده نمی کند. حضور پردیوس را در معبد به یاد آورید. در ابتدا پیشگو پشت به تماشاگر است - مخاطب پیشگو را نمی شناسد - اما اندک اندک با روشن شدن قضیه، شکل میزانشن نیز تغییر می کند. وقتی ما از کابوسهای آشفته پردیوس جدا می شویم او و پیشگو در یک سطح قرار دارند. باز هم تصور ما از حقیقت تغییر کرده است. این بازی باحقیقت نیز از نکات قابل توجه نمایش به نظر می رسد. پردیوس در صحنه سخنرانی در معرض سپیدی قرار گرفته و به تابیلوی مانا می ماند اما دیگری که در وسط صحنه قرار گرفته و به دروغ سخن می گوید تصویری متزلزل به ذهن مخاطب ارائه می دهد.

برخی فصول از زندگی شخصیت ها در رویاها و برخی دیگر در واقعیت است. ای کاش در انتهای صحنه، پیام فروتن به جای استفاده از پرده مشمی از همان پارچه های سپید اطراف استفاده می کرد. در آن صورت با توجه به نور هم اگر اندیسمان صورت می گرفت و هم همنشینی صدا و تصویر بیشتر خود را به رخ می کشید. مرادی در اجرای این نمایش ایده های خوبی را برای اجرا تدارک دیده بود. اما افسوس اجرا، کمی شتابزده به نظر می رسد و اجرای ایده ها کمی زخم به نظر می رسد. مثلاً همان ایده استفاده از نور جلوی صحنه خوب است اما نور تلطیف شده نیست، حس دراماتیک را خنثی می کند. این نگاه در برخی حرکات و ... نیز به چشم می آید.

اما به هر حال مرادی و گروهش امتحان را با موفقیت پشت سر می گذارند. روتوشهایی لازم است که به طور حتم مرادی در اجرای عمومی آنها خواهد اندیشید.

نگاهی به
نمایش ژولیوس
سزار به روایت
کابوس

دیشب خواب دیده ام؛ پریشان

رامتین شهبازی

نگاهی به نمایش رویای بسته شده به اسبی که از پا نمی افتد، به قلم چرمشیر و کارگردانی آروند دشت آرای

راهی برای سلوک

رضا آشفته

نمایش «رویای بسته شده به اسبی که از پا نمی افتد» به قلم محمد چرمشیر و کارگردانی آروند دشت آرای کریستف کلمب، فاتح قاره آمریکا را بهانه ای قرار می دهند، برای یک سیر و سلوک آنها می خواهند در این سفر پر ماجرا نقبی به ذهن و روح بشر بزنند، و بر پایه علت های کاملاً مادی به علت های یک سفر آسمانی نزدیک شوند. آنچه کلمب و همکیشانانش از کشف آمریکا و سفر به آنجایی خواهند همانا- پارادایز - است که تاکنون هیچ رد و اثری از آن نبوده است بلکه باید طی یک سفر پر خطر بتوانند با عبور از موانع متعدد از پس دیدار آن بر آیند. البته این مسیر همیشه هم به سرانجام نمی رسد، گاهی در حد یک رویای شیرین مدفون می شود، و گاهی دیگر سختی ها، دمار از روزگار آدمی در می آورند و اصلاً نمی گذارند که پای آدمی به آنجا برسد. البته این مورد بسته به اراده و خواست آدمی دارد، اگر آدمی بخواهد می رسد و لو تا پای جان زیاده روی کرده باشد. حالا این تعبیر و تفسیر باید انتظار داشت که متن و اجرا طوری طراحی شده باشند که تماشاگر به تدریج به مکاشفه پیرامون این تفکر بنیادین بپردازد. قرار نیست همه چیز از ابتدا برای مخاطب آشکار شود، بلکه سفر کلمب این بهانه را به همه می دهد، حالا در تالار کارگاه نمایش به دور از دغدغه های روزمره به یک سفر رویایی آن هم از طریق دیدن یک نمایش مبادرت ورزند. اگر تماشاچی نخواهد این سفر ناممکن می شود، باید دل به سفر بدهد. آنها می روند تا آمریکا یا همان قطعه بهشت گمشده بر روی زمین را پیدا کنند. البته آنها در پنج قرن پیش موفق می شوند که به آرزوی خود برسند، اما ما نیز باید بخواهیم تا بتوانیم آروند در چند مرحله و در قطعات کوتاه نمایشی که هر مرحله متکی به یک تکنیک متفاوت و متنوع است، این سلوک معنایی را برای تماشاگرش تصویر می کند گاهی یک تشت آب و کشتی کاغذی که آتش گرفته می شود، تصویری از سوختگی مرارت این راه می دهد. دیگر کلمب به هیچ سفر درایی نمی رود، و برای همیشه از این سفرهای پر ماجرا دست می کشد. شاید او به مراد و معبود دلش رسیده است! گاهی مادر کلمب رو در روی تماشاگر اشک می ریزد و از بخشنده گی و مهربانی خدای گوید، و اینکه همه ما باید به دنبال او باشیم تا از شر شیطان رها شویم. ما باید به قاعده و قانع غذا بخوریم و از حیف و میل خوردنی ها پرهیز کنیم که خداوند اسراف کنندگان را تنبیه می کند.

گاهی یک سیب سرخ روی تابلو آویز و مونولوگ های هزین گونه مرد و فیگورهای یک زن، تصویری از هوس و عشق را تداعی می کنند که باید به دلخواه به آن جامه عمل پوشانید.

گاهی کشیش هنگام نصیحت و اعتراف کلمب دل ماهی رامی شکافد و تصویر آن بالای قاب صحنه کوچک باعث حال برهم زدن تماشاگر می شود. گاهی باید کلمب و کشیش جای خود را عوض کنند و گاهی... مدام جا به جایی صورت می گیرد، مدام ریتم تغییر می کند. مدام تصاویر در هم تنیده می شوند. مدام گفتارها، لحن ها و حس های متفاوتی به خود می گیرند، مدام...

ابزارهای اجرایی متفاوت هستند. ویدئو، تلویزیون، ویدئو پروژکشن، تئاتر سایه و عروسکی (البته به شکل غیر مستقیم)، بازی رنالیستی، بازی فرمالیستی، همنوایی موسیقی، آرایش صحنه و حضور رنگ و نور، پرتاب تصویر، فید شده تصویر، تاریکی، و... شاید تندتر از این هم

بتوان به مکاشفه خداوند پرداخت. مطمئناً آنهایی که دل داده هستند در این سلوک همراه می شوند، و از همه چیز

استفاده می برند تا در خلوت خود به برداشتی

عینی از گفتنیهای رمز آمیز درباره خالق و معبود برسند.

«دبتر کومل» کارگردان آلمانی و یکی از اعضای گروه تئاتر «مارین باد»، امسلا بادو نمایش «اسرار شبانه» و «شب خواهران برونته» در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شرکت دارد. این گروه تئاتری در سال ۱۹۷۳ تأسیس و از سال ۱۹۸۹ در تالاری کوچک که بیش از این متعلق به حمام شهر فرایبورگ بود، مستقر شد. سالن اصلی این تالار تا ۳۵۰ نفر کنجایش دارد و از سال ۲۰۰۲ سالن ۸۰ نفره‌ای هم به آن فضا اضافه شده است. این گروه در حال حاضر از هفت بازیگر ثابت که بر حسب نیاز با بازیگران میهمان تکمیل می‌شوند، تشکیل شده و مخاطبان نمایشهای آنها را کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان تشکیل می‌دهند. آنها در کنار اجرای برنامه‌های هنری و نمایشی، در هیأت‌های مختلفی برای حمایت از تئاتر کودکان و نوجوانان هم فعالیت می‌کنند. اعضای گروه پیشتر از این در اکتبر ۲۰۰۳ سفری دیگر به ایران داشته‌اند و این بار هم به دعوت مسوولین مرکز هنرهای نمایشی به ایران آمده‌اند.

**

**دومین حضور گروه در ایران را چگونه می‌بینید؟ - کومل: هدف ما از حضور در ایران محکم کردن روابط فرهنگی است چون در هر حال، فرایبورگ آلمان، خواهر خوانده اصفهان است و برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد که این ارتباط را عمیق‌تر کنیم. به اعتقاد من اگر این ارتباط برقرار شود به نوعی مشکلات ما هم حل می‌شود زیرا خیلی از نادانسته‌ها و پیشداوری‌های ما با نگاه مستقیم و از نزدیک به ایران حل می‌شود و ما حتی می‌توانیم بخشی از فرهنگ خود را اینجا بگذاریم.

در هر حال باید توجه داشت که گاهی اوقات جهانی سازی پدیده جالبی می‌شود، هر چند که نباید در کنار آن هویتها را فراموش کرد.

**این تفکر تا چه اندازه در کارهایتان رعایت می‌شود؟ در واقع تا چه حد در شیوه کاری گروه مؤثر است؟ - کومل: خصلت شاعرانه در همه ما نهفته است و ما از طریق آن می‌توانیم خاطرات و احساساتمان را، از جمله آرزوها و بیمه‌هایمان را بیان کنیم. پس ذهن کنجکاو و کاشف ماهواره به دنبال حقیقت‌های ماورای واقعیت‌های روزمره و تجربه‌های هر روزه ما از مومن می‌شود. این کار در جست و جوی نمایشنامه مناسب ادامه می‌یابد و بیان‌کننده دغدغه‌ها و علاقه‌های جمعی ما است که به نوعی شرایط فردی و محیط اجتماعی ما را نشان می‌دهد.

**این دو نمایشی که در جشنواره فجر قرار است اجرا شود هم از همین تفکر ریشه گرفته است؟ - دقیقاً به همین شکل است. نمایش «شب خواهران برونته» موضوع زنانه‌ای را از دیدگاه فرهنگ اروپایی مطرح می‌کند و این ارتباط تنگاتنگ آدم‌ها با یکدیگر را به صورت یک رویای بزرگ و فانتزی نشان می‌دهد. موضوع در باره سه خواهر نویسنده است که در یک کلیسای مقدس زندگی می‌کردند و تازمان حیاتشان چندان شناخته شده نبودند. اتفاق اصلی نمایشنامه هم در دوره‌ای از اروپا حادث می‌شود که زنان مجال این را نداشتند که در سطح بالای اجتماع رشد کنند و به اعتقاد گروه این موضوع ریشه در شرایط فرهنگی بسیاری از جوامع دارد و خیلی‌های دیگر هم به این صورت تحت فشار بوده‌اند.

**پس با این توضیحات قاعدتاً نمایش «شب خواهران برونته» کاری مخصوص کودکان و نوجوانان نیست؟ - بله. این نمایش فقط مخصوص بزرگسالان است و حتی شصت درصد از مخاطبان آن بالای ۶۰ سال هستند، که خود به نوعی نشان دهنده این است که این افراد به دنبال کودکی از دست رفته شان هستند، زیرا که این نمایش هم به شکل فانتزی، دنیای کودکان خود ساخته و ذهنی سه خواهر برونته را نشان می‌دهد.

**«اسرار شبانه پرو» هم به همین شکل است؟ بخصوص این که این نمایش به شکل عروسکی اجرا می‌شود؟ - کومل: «اسرار شبانه پرو» یک نمایش موزیکال در باره نیروی جادویی عشق، عمق شعر و شاعری است. نمایشنامه بر اساس داستانی از «میشل تورنیر» نوشته شده و برداشت آزادی از کمپانی دلازا ایتالیا دارد. در این نمایش مضمون عشق و زندگی در قالب چهار فصل سال نمایش داده می‌شوند به صورتی که عشق در بهار شروع می‌شود، در تابستان به اوج می‌رسد، در پاییز آغاز راه مشکلات می‌شود و در زمستان به سردی می‌گراید.

**و تمام این احساسات در شکل عروسکی به بهترین شکل نمایان می‌شود؟ - من هم این طور فکر می‌کنم، بخصوص اینکه تکنیک عروسکی این نمایش به نوعی خیلی جدید است و به حقیقت بازیگران بسته است. در واقع در این نمایش به گونه‌ای بازیگر و عروسک در کنار یکدیگر ترکیب می‌شوند و هر دو در یک قالب فرو می‌روند. در این پروسه بازیگران زندگی‌نامه تخیلی شخصیت‌های نمایشی و نقش‌هایشان را می‌نویسند و تصورات خود را از نقش‌های متقابلشان بیان می‌کنند.

**پس کار به شکل کاملاً گروهی اداره می‌شود؟ - دقیقاً! با نظرات بازیگران، طرح کلی نمایشنامه زیر نظر یک نمایشنامه نویس ریخته می‌شود و در کنار طراح صحنه، آهنگساز نیز به تنظیم جزئیات این طرح در مرحله اجرایی کار می‌پردازد و به دنبال آن تمرینات آغاز می‌شود و در تمام این مدت و در طول تمرینات بحث و تبادل نظر میان گروه وجود دارد و زمان اجرا در شرایطی معین می‌شود که همگی به این نتیجه رسیده باشیم که کار تمام شده است.

**در این مسیر، چقدر کار در مدت زمان اجرا دستخوش تغییر می‌شود؟ - ما معمولاً بعد از چند اجرا از هر نمایش در جلساتی آن را نقد می‌کنیم زیرا معتقدیم که اگر ما خودمان، کارهایمان را نقد نکنیم، پس نمی‌توانیم آن را ارتقا دهیم و با تماشاگران ارتباط منسجم‌تری داشته باشیم.

نمایندگان تئاتر فرایبورگ در ایران

مریم رضازاده



مبارک و گل باقالی در خیابان

بیتا موسوی



خیابانی تئاتر فجر شما با تئاتر عروسکی متفاوت است؟

من هیچ تعبیری در متن و در اجرای نمایش نداده‌ام، بلکه دقیقاً همان نمایشی تئاتر است که امسال در جشنواره تئاتر عروسکی داشتیم و فکر می‌کنم برای این نمایش ۳ اجرا در جشنواره در نظر گرفته شده است.

* مخاطب نمایش «نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه» فقط کودکان هستند؟

خب این نمایش به خاطر شخصیت عروسکی که دارد بیشتر مخاطبانش کودکان هستند. ولی در اجرایی که من سابق داشتم، شاید می‌توان به جرأت گفت ۶۰ درصد مخاطبان کودکان و ۴۰ درصد افراد با رده سنی متفاوتی بودند.

* در اجرای این نمایش چقدر از بداهه‌گویی استفاده کردید؟

همانطور که می‌دانید در نمایشهای خیابانی بداهه‌گویی حرف اول را می‌زند و در اجرای

این نمایش هم ما بداهه‌گویی زیاد داشتیم. * خانم مهدی خواه نظر شما درباره حضور زنان در تئاتر خیابانی با توجه به محدودیتهایی که در این زمینه وجود دارد، چیست؟

مشکلات در این زمینه همیشه وجود دارد؛ مخصوصاً برای زنانی که در فضای باز و خیابانی فعالیت می‌کنند. من بیشتر در سالنهای بسته کار کردم ولی اجرای متفاوتی نیز در پارکها داشتم که قطعاً با مشکلاتی نیز روبرو شدم. مثلاً کارهایی برای اجرا داشتیم که زودتر از زمان اصلی نمایش به اتمام رساندم چون فضای موجود برای ادامه کار یاری نمی‌داد.

ولی فکر می‌کنم اگر زن بخواهد یک کار فرهنگی و هنری انجام دهد باید با اعتماد به نفس به کارش ایمان داشته باشد در این صورت هیچ مشکلی پیدا نمی‌شود. و من از تمامی این عوامل استفاده کردم و جسورانه پیش‌رفتم.

* فکر می‌کنید چه مراکز و سازمانهایی می‌توانند در اجرای نمایشهای خیابانی در طول سال کمک کنند؟

در درجه اول مرکز هنرهای نمایشی باید از اجرای این نمایشها حمایت کند. البته در کنار این مرکز نیاز جدی به حمایت شهرداریها و فرهنگسراها نیز وجود دارد.

بهناز مهدی خواه که با نمایش «نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه» در بخش خیابانی بیست و سومین جشنواره تئاتر فجر حضور دارد، فارغ‌التحصیل رشته نمایش از دانشکده سینما و تئاتر است. او فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۷۰ شروع کرده و در سال ۷۸ با تشکیل گروه نمایشی خیمه‌شب بازی کار خود را به صورت جدی‌تر ادامه داد.

آنچه می‌خوانید گفت‌وگویی است که با بهناز مهدی خواه کارگردان نمایش «نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه» انجام داده‌ایم.

* کمی در باره حال و هوای فضای نمایش بگویید؟

نمایش «نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه» یک کار خیمه شب بازی است که منتخب جشنواره عروسکی امسال نیز بوده است. ما در این کار شخصیتی خلق کرده ایم به نام «گل باقالی» که این پسر کوچولو فرزند طیاره خانم و آقا مبارک است. همانطور که می‌دانید شخصیت مبارک یک شخصیت قدیمی در متناهی سنتی خیمه شب بازی است

و هیچ وقت در نمایشهای قدیم فرزندی نداشته است ولی ما برای اینکه کاری نو ابداع کنیم شخصیت «گلی باقالی» را به وجود آوردیم و خواستیم به نوعی مشکلات بچه‌های امروزی را با وجود این شخصیت نشان دهیم و این مسائل و مشکلات را به صورت طنز مطرح کرده‌ایم، ما متن دیروزی یا گذشته مبارک را امروزی کردیم و به بهانه وجود «گل باقالی» و مبارک به مسائل به گونه‌ای دیگر پرداختیم.

* شما در این اجرا چه رویکرد جدیدی به نمایش خیمه شب بازی دارید؟

ما در اجرای این نمایش دست به ابتکاری جدید زدیم به طوری که در اول نمایش مرشد و مبارک با یک شعر ریمیک، اطلاعاتی درباره خیمه شب بازی می‌دهند و نمایش را به گونه‌ای به تماشاچی معرفی می‌کنند.

در پایان کار نیز عروسکها از خیمه بیرون می‌آیند و باز با شعری مبنی بر اینکه ما باید داستان خیمه‌شب بازی را که یکی از نمایشهای قدیمی و سنتی کشور است را پاس بداریم و زنده نگه داریم، کار را به اتمام می‌رسانند.

* همانطور که اشاره کردید کار در جشنواره تئاتر عروسکی هم حضور داشته است، آیا اجرای



17 Women Writers and Directors in the 23rd Festival

17 women writers and directors are participating in the 23rd International Fajr Theater Festival, including 11 directors and 6 writers. Marzieh Shojaii with "The Last Two Love Birds", Homa Rosta with "Santa Cruise", Manijeh Mahamedi with "A View from the Bridge", Katayoun Feyz Marandi with "The Notebook", Sepideh Nazarpour with "The Dream", Golchehre Sajadie with "Medea", Maryam Kezemi with "The Ladies of the Five Castles", Sima Tirandaz with "The Woman who Arrived Last Summer", Maryam Moeini with "Someone has inscribed Your Name on the Moon" and "A Room in the Heaven" and Mitra Khajeian

with "The Invitation" are the eleven women directors of this festival. The six women writers of the 23rd festival are Chista Yasrebi with "The Last Two Love Birds" and "The Woman who Arrived Last Summer", Naghme Samini with "The Mourning Night" and "Julius Caesar by Kabous", Zohre Mojabi with "The Dream", Tala Motazedi with "Kill as Long as You Can", Narges Amini with "Do Not Turn the Lights off" and Samira Sinaii with "Bureaucracy". Besides writing the play scripts, Chista Yasrebi and Samira Sinaii are also the directors of the plays "Stay One More Night, Silvia" and "Bureaucracy" respectively.

French Guests Converse with Iranians

The French group "Seven", performing "The Ticket to the Heaven" and "Happy Birthday Don Quixote" in the 23rd International Fajr Theater Festival, will be attending the second session of the seminar of "The Dialog Between the Iranian and World Theater" today.

The group performed the workshop play "The Ticket to the Heaven" twice in the first two days of the festival and is performing the street play "Happy Birthday Don Quixote" at 17:00 on January 23rd and 24th.

Ali Razi is the manager of this performing group, with "Louie De Noil", "Isabel Kadna Canon" and "Louie Makia" as the actors. The group is a multinational one, consisting of people from France, Spain, Iran, Columbia and Romania, who all converse in French.

The group has also performed two other plays "When the Night falls" and "The Operation in the Subway" in France. The members also had a conference at the Ferdowsi Hotel on Saturday.

The Large Audience Interferes with Cane and Abel

"Cane and Abel", directed by Atilla Pesyani, received unexpected attention on the second day of the 23rd International Fajr Theater Festival, which delayed the performance. The play, which is written by Alireza Kooshk Jalali, had been planned to be performed at 17:00. However, the audience gathered to see the play was so large that a number of them, in spite of having purchased

tickets, did not manage to see the play because the hall was overcrowded. The crowd inside the hall was also so large that some of the audience had to move toward the stage, which distracted the actors.

The tickets of those who did not manage to see the play have been refunded by the managers of Chahrsoo hall, where "Cane and Abel" was performed.

TODAY'S PERSPECTIVE

Sunday, January 23rd

Vahdat Hall
Performance: 19:00
The Circus

Sangelaj Hall
Performances: 16:00
- 18:30
The Balcony in Carpet
Director: Hamidreza Mirzay

Honar Hall
Performances: 16:00
- 18:00
Jazen Beckam, the Unfavored Jazen
Director: Amir Soltanahmadi

Molavi Hall
Performances: 15:00
- 17:30
The Summer Midnight Dream
Director: Saeed Behnam
Khaneye Namayesh

Performance: 15:00
The King of Shabdiz
Director: Karim Alikhah

Kargah-e Namayesh (Theater-e-Shahr)
Performances: 14:00
- 18:00 - 20:00
Elotria
Director: Vahid Rahbani

The Café of the Main Hall (Teriaye Talare Asli)
Performance: 15:00
Where are you now?
A Group Effort

Khorshid Hall
Performance: 16:00
A Moment of a Blink
Director: Afshin Nasser

No Hall (Theater-e-Shahr)
Performance: 16:00
The Stories of Caror
Directors: Naemi, Karegar

Koochak Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 16:00
- 19:00
The Best Mother Around
Directors: Kouhestani, Amiri

Chahrsoo Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:00
- 21:00
When the Nightingale Stops Singing
Director: Fillip Havard

Sayeh Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:30
- 20:00
The Dream
Director: Sepideh Nazarpour

Ghashghaii Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:00
- 20:00
God Summons John to Galilee
Director: Saeed Shapouri

The Main Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:30
- 21:00
The Secrets of the Night

Outdoors (Theater-e-Shahr)
Performance: 14:00
Passion-Play: Soleyman's Throne

Goftogoo Hall (Review Session)
Performances: 14:00
- 15:00
The Sandwich at Noon
Director: Ali Mohammad Rahimi
The Prince in Love
Director: Soosan Rahimi

Tajrobeh Hall (Khaneye-Honarmandan)
Performance: 10:00 to 16:00
Hamlet
Director: Mehdi Mirmohammadi

The Supervising Commission Established: Toward "Theater for Everyone"

A commission comprising Iranian theater experts and connoisseurs have been established to supervise the performance of plays in the 23rd International Fajr Theater Festival. According to one of the members of the managing board of the 23rd Fajr Theater Festival, the commission has been established to respect social rules and to contribute to the progress of theater industry in Iran. "Unfortunately, some unintentional mistakes have led to misunderstanding and caused threats to the job security of theater actors", he added. He also referred to the artists and actors in the theater industry as the most eminent to preserve morals of theater: "It should not be presumed that one particular organization is responsible for the task. We, the members of the theater family, should all contribute to it." This official of the 23rd festival expressed hope that the establishment of the commission prepares the ground for the festival to achieve its goals, the most important of which is "Theater for Everyone", by consulting with artists and interacting with them.

Eight Video-theaters to be played in Khaney-e-Honarmandan

For the first time, the group "The Crow and the Word" is holding an exhibition titled "Video-theater" in the 23rd International Fajr Theater Festival based on a few of masterpieces of Dramatic Literature in the world.

"The core group was formed in 1992, when we were all students at Broadcasting Art School. Later at the university, some members were added and it has been three years that the group has been active in the fields of painting, photography and theater. Three months ago, we had a video-theater exhibition titled Death," says Mehdi Mirmohammadi, the representative of the group.

About the reasons to hold the exhibition, he explains: "Theater and video are two of our main concerns. So we developed the idea of video-theater as a means of combining the two and bridging the gap between them. To do so, we first had some meetings, after which the sketch was presented to the Center of Performing Arts. Eight pieces were produced for evaluation and subsequently, they were selected to be played in the festival. We all prepared the required facilities and funded the project." The eight video-theaters played in the exhibition include "Waiting for Goodo", "The End of the Game", "Hamlet", "Vitesk", "Caligula", "The buried Child", "Medea" and "Yerma". But how were the plays selected? "Each of the members of the group proposed their favorite plays, of which they had symbolic figures in mind. The final selection was made from the proposals. The settings are completely different. Some represent the theater stage and in some others no actors have played, which are video-based. Anyway, all of these video-theaters are a combination of theater and video," explains Mirmohammadi.

The Directors of the video-theaters are

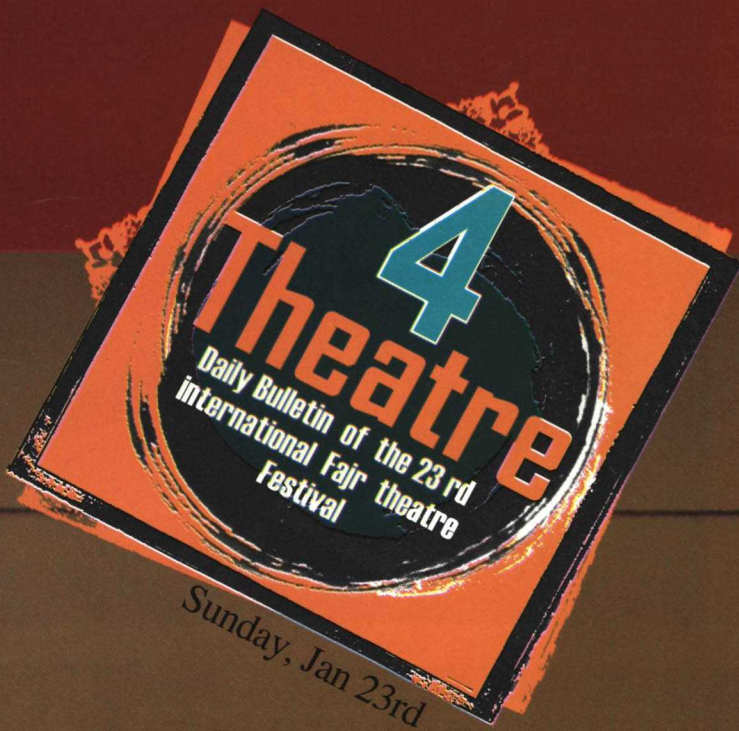
Younos Lotfi, Houpan Lashgarinejad, Mehdi Mirmohammadi, Ramin Sayardashti and Meysam Aslani, the members of the group "The Crow and the Word" along with guest directors Pantea Aslani, Keyvan Raghbinejad and Farhad Fozouni. "Waiting for Goodo" and "Hamlet" have been filmed by their directors, Farhad Fozouni and Mehdi Mirmohammadi respectively.

The total duration of the video-theaters is 85 minutes, differing between four minutes for "Yerma" and "Waiting for Goodo" and the longest for "The End of the Game". The video-theaters, the total length of which is 85 minutes, are shown from 10 in the morning until 4 in the afternoon in Khaney-e-Honarmandan with 5-minute intermissions.

Mirmohammadi refers to the term "video-theater" as a symbol and explains: "The term is strange, as there has been no such definition before. However, it functions as an address to the inherent combination of theater and video."

"The combination or the dialog between different media is a contemporary trend, even though the examples of such dialogs existed before. For example, opera is a combination of theater and music. Another example is the combination of music and video, which created musicals. So, video-theater is also a combination of theater and video. These video-theaters do not either add to the theater or video or detract from them. This is only a new experiment. Not being willing to become trapped in definitions and theories, we decided to act upon our interest. If this new experience proves successful, it can serve as a starting point to advance the trend. Otherwise, the trend will disappear soon," he adds.

He finally expresses hope that the exhibition will be visited by critics and experts.



Sunday, Jan 23rd

